

## نظارت بر مقررات دولتی (اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی)

عباسعلی کدخدایی<sup>۱</sup>، ابوالفضل درویشوند<sup>۲\*</sup>

۱- استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲- دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۱۰

دریافت: ۱۳۹۱/۴/۱۷

### چکیده

بر اساس اصل سلسله مراتب قواعد الزام آور، قوانین و مقررات مادون نباید مغایر قواعد مافوق باشند. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز با پذیرش این اصل، بر عدم مغایرت قواعد مادون با قواعد مافوق تأکید شده است. به موجب قانون اساسی مصوبات مجلس شورای اسلامی نباید مغایر با قانون اساسی و مقررات دولتی نباید مغایر با قوانین باشند. بر اساس اصل ۱۳۸ قانون اساسی، رئیس مجلس شورای اسلامی مرجع تشخیص مغایرت مصوبات دولتی با قوانین است و نظر وی نیز در این رابطه نظر نهایی و لازم الاجراست. هرچند که در قانون اساسی به ضمانت اجرای عدم تبعیت دولت از نظر رئیس مجلس شورای اسلامی اشاره‌ای نشده است ولی مقصود قانونگذار اساسی این بوده که مرجع نهایی تشخیص دهنده مغایرت مقرر دولتی با قانون رئیس مجلس است و بر اساس قانون در صورت عدم تأمین نظر رئیس مجلس توسط دولت مقرر دولتی ملغی الاثر است. با توجه به اینکه وظیفه نظارت بر مصوبات دولتی بر عهده رئیس مجلس شورای اسلامی است، مرجع تشخیص مصوبات موضوع اصول فوق از تصمیمات صرفاً اجرایی نیز شخص رئیس مجلس می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** سلسله مراتب قوانین، مقررات دولتی، قوانین، نظارت.

## مقدمه

اصل حاکمیت قانون، یکی از اصول حقوق عمومی است که حقوق اساسی و حقوق اداری را به هم پیوند می‌دهد. (زارعی، ۱۳۷۶: ۳۲) بر اساس این اصل، کلیه امور حکومت از جمله اداره امور عمومی باید تابع قوانین باشند. (سنجایی، بی تا، ج ۱: ۲۵۰)

به موجب اصل حاکمیت قانون قوه مجریه مکلف است کلیه صلاحیت‌های خود از جمله مقررات‌گذاری را در چارچوب قوانین انجام دهد. (طباطبائی موتمنی، ۱۳۸۵: ۸)

از مهمترین نتایج مربوط به پذیرش اصل حاکمیت قانون، اصل سلسله مراتب قوانین است که از بایسته‌های نظام‌های مبتنی بر حقوق نوشته محسوب می‌گردد. سلسله مراتب قواعد غالباً بر اساس جنبه شکلی آنها تعیین می‌شود و اعتبار هر قاعده با توجه به اعتبار مرجع وضع و تصویب آن تعیین می‌گردد. بر اساس اصل سلسله مراتب قوانین، محتوای قواعد فروتر نباید مغایر با محتوای قواعد فراتر باشد. (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۳: ۱۱۱)

در نظام‌های حقوقی با پذیرش اصل سلسله مراتب قواعد با هدف تضمین عدم مغایرت قواعد مادون با قواعد برتر، مراجعی در نظر گرفته شده است. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و برای تضمین عدم تجاوز مراجع وضع قاعده از حدود صلاحیت خود مراجع نظارتی را معین نموده است. در ادامه به بیان سلسله مراتب قواعد الزام آور در نظام حقوقی کشور و سلسله مراتب آنها می‌پردازیم. (در این قسمت صرفاً به بحث سلسله مراتب موازین شرعی، قانون اساسی، قوانین مصوب مجلس و مصوبات دولتی می‌پردازیم نه کلیه قواعد الزام آور).

## ۱- سلسله مراتب قواعد الزام آور در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی مشروطه و متمم آن در رابطه با سلسله مراتب قوانین مطلبی بیان نشده بود و صرفاً به موجب اصل دوم متمم این قانون، مجلس شورای ملی حق وضع قوانین مغایر با شرع را نداشت و تشخیص قوانین مغایر با شرع بر عهده تعدادی از فقهاء تحت عنوان هیئت علماء یا هیئت طراز نهاده شده بود. علی‌رغم عدم تعیین تکلیف در رابطه با سلسله مراتب قوانین در نظام مشروطه، برخی با وجود سکوت قانون اساسی، قائل به برتری قانون اساسی بر قوانین عادی بودند. (ابوالحمد، ۱۳۶۰: ۲۱)

بر خلاف قانون اساسی مشروطه، در قانون اساسی جمهوری اسلامی موضوع سلسله

مراتب قوانین مورد توجه قانونگذار اساسی قرار گرفته است و این قانون در رابطه با سلسله مراتب قوانین تعیین تکلیف نموده است.

به موجب اصل چهارم قانون اساسی، موازین شرعی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی در رأس سلسله مراتب قواعد لازم الاجرا قرار می‌گیرد و بر تمامی قوانین و مقررات کشور و خود قانون اساسی حاکم است. قانونگذار اساسی مرجع نظارت بر عدم مغایرت قوانین و مقررات با شرع را فقهای شورای نگهبان قرار داده است.

قانون اساسی، در سلسله مراتب قواعد لازم الاجرا در نظام حقوقی کشور در جایگاه دوم قرار دارد. قانونگذار برای تضمین برتری قانون اساسی بر قوانین مصوب مجلس اقدام به تأسیس شورای نگهبان کرده است که این شورا مکلف است مصوبات مجلس شورای اسلامی را از نظر مغایرت و یا عدم مغایرت با قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد. مصوبات مجلس شورای اسلامی تنها در صورتی تبدیل به قانون می‌شوند که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص داده نشوند.

قوانین عادی، در سلسله مراتب قوانین در مرتبه بعد از قانون اساسی قرار می‌گیرند، که با توجه به این امر، مقرراتی که توسط مقامات قوه مجریه وضع می‌گردند به هیچ وجه نباید مغایر با قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی باشند. قانونگذار اساسی برای تضمین عدم مغایرت مصوبات دولتی با قوانین برتر سه مرجع را در نظر گرفته است:

۱. قضات محاکم: به موجب اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند. با توجه به این قسمت از اصل فوق قضات دادگاهها در رابطه با دعاوی که مورد رسیدگی قرار می‌دهند از اجرای مقررات دولتی مغایر قوانین، مقررات اسلامی و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه خودداری می‌کنند.

۲. دیوان عدالت اداری: به موجب ذیل اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی هرکس می‌تواند ابطال مقررات مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند. با توجه به این قسمت از اصل فوق دیوان عدالت اداری در مواردی که مصوبات دولتی مغایر با قوانین و یا مقررات اسلامی باشند حق ابطال آنها را دارد.

۳. رئیس مجلس شورای اسلامی: بر اساس قسمت اخیر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد. همچنین بر اساس قسمت اخیر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی، تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستد.

علت اساسی در نظر گرفتن سه مرجع برای نظارت بر مصوبات دولتی، احتمال تجاوز قوه مجریه از حدود صلاحیت مقررات‌گذاری خود بیان شده است. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۲۷۴-۱۲۷۳)

## ۲- پیشینه نظارت بر مصوبات دولتی توسط رئیس مجلس شورای اسلامی

بر اساس اصل یکصد و سی و چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، ریاست هیأت وزیران با نخست وزیر بود و مصوبات دولتی نیز به تصویب هیأت وزیران می‌رسید. با توجه به اینکه نظارت بر مصوبات دولتی ضرورت داشت و با توجه به شأن و جایگاه رئیس جمهور که به موجب اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی عالیترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری و مسئول تنظیم روابط قوای سه گانه بود، قانونگذار اساسی رئیس جمهور را مرجع نظارت بر مصوبات دولتی قرار داد و در اصل یکصد و بیست و ششم مقرر می‌داشت: «تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت پس از تصویب هیأت وزیران به اطلاع رئیس جمهور می‌رسد و در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران می‌فرستد.»

در راستای اجرایی شدن وظیفه فوق، ماده (۵) قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌داشت: تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت، پس از تصویب هیأت وزیران به اطلاع رئیس جمهور می‌رسد. رئیس جمهور در صورتی که آنها را خلاف قانون تشخیص می‌داد، نظر خود را با ذکر دلیل به دولت اعلام می‌نمود. بر اساس این ماده مصوبات دولت قبل از انجام اصلاحات لازم قابل

اجراء نبود. در صورت عدم توجه به نظر رئیس جمهور و اجرای مصوبات مذکور، وی می‌توانست دستور توقف اجراء مصوبه را صادر نماید.

همچنین به موجب تبصره این ماده، در صورتی که بین رئیس جمهور و هیأت دولت در رابطه با مغایرت و یا عدم مغایرت مصوبه‌ای اختلاف نظر ایجاد می‌شد، نظر رئیس جمهور در رابطه با موضوع لازم الاجرا بود.

با تجدیدنظر در قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و حذف پست نخست وزیری، رئیس جمهور، رئیس هیأت وزیران شد و با توجه به این تغییرات، نظارت وی بر مصوبات دولتی مفهومی نداشت، به همین دلیل اعضای شورای بازنگری قانون اساسی تصمیم به تغییر مرجع نظارت بر مصوبات دولتی گرفتند.

پیشنهادات مختلفی در این رابطه مطرح گردید از جمله اینکه این وظیفه به سازمانی مستقل و زیر نظر مجلس سپرده شود (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹، ج ۲: ۹۸۵) و یا اینکه کمیسیونی با عنوان کمیسیون تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌ها مثل کمیسیون اصل نود مسئول نظارت بر مصوبات دولت گردد، (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹، ج ۲: ۹۹۲) یا اینکه این وظیفه بر عهده رئیس قوه قضاییه قرار داده شود. (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹، ج ۲: ۹۹۸)

پس از مباحث طولانی در این رابطه، شورای مذکور به این نتیجه رسید که تناسب ایجاد می‌کند این کنترل و نظارت به عهده مرجعی باشد که با قانون سر و کار دارد و بر این اساس وظیفه فوق بر عهده رئیس مجلس شورای اسلامی نهاده شد. (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۰۱۳)

لازم به ذکر است که نمی‌توان نظیر چنین صلاحیتی را در قوانین سایر کشورها برای رئیس مجلس مشاهده نمود (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۸۹، ۱۸۹) و غالباً وظیفه نظارت بر مقررات دولتی به نهادهای قضایی و یا دارای کارکرد قضایی سپرده شده است.

در سال ۱۳۶۸ پس از تغییرات قانون اساسی، قانونگذار در راستای اجرای وظیفه فوق اقدام به تصویب قانون نحوه اجراء اصل هشتماد و پنجم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه بامسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی

نمود. به موجب تبصره (۲) ماده واحده این قانون اگر بین رئیس مجلس و هیأت دولت و یا کمیسیون‌های مربوطه از جهت استنباط از قوانین اختلاف نظر حاصل می‌شد نظر رئیس مجلس معتبر اعلام شده است.

مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۷۸/۱۲/۸، با توجه به مشکلاتی که در رابطه با نحوه تعامل دولت با رئیس مجلس در رابطه با نحوه اجرای قانون فوق بوجود آمده بود اقدام به تصویب قانون الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصل (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی نمود. به موجب تبصره (۴) این قانون چنانچه تمام یا قسمتی از مصوبه مورد ایراد رئیس مجلس شورای اسلامی قرار گیرد و پس از اعلام ایراد به هیأت وزیران، ظرف مدت مقرر در قانون، نسبت به اصلاح یا لغو آن اقدام نشود پس از پایان مدت مذکور حسب مورد تمام یا قسمتی از مصوبه مورد ایراد، ملغی‌الاثراً خواهد بود. بنابر این به موجب این مصوبه برای عدم رعایت نظر رئیس مجلس در رابطه با مصوبات دولت ضمانت اجرا در نظر گرفته شد و در صورت عدم رعایت نظر رئیس مجلس توسط دولت، مصوبه فاقد اعتبار می‌شود.

اختلافاتی که در عمل بین نظر رئیس مجلس و آراء دیوان عدالت اداری در رابطه با موضوعات مشابه بوجود آمد موجب شد مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۰ اقدام به تصویب قانون استفساریه ماده (۲۵) قانون دیوان عدالت اداری نماید که مقرر می‌داشت در صورت تعارض نظر دیوان عدالت اداری و ریاست مجلس شورای اسلامی (موضوع اختیارات ذیل اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، نظر دیوان عدالت اداری لازم‌الاجراء است.

آخرین اصلاحات قانونی در رابطه با اختیارات رئیس مجلس مربوط به تصویب قانون الحاق یک تبصره به قانون نحوه اجرای اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسؤولیتهای رئیس مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۸ بود که به موجب این قانون در مواردی که رئیس مجلس شورای اسلامی مصوبات، آئین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های مقامات مذکور در اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی را مغایر با متن و روح قوانین تشخیص دهد نظر وی برای دولت معتبر و لازم‌الاتباع است و دیوان عدالت اداری نسبت به این گونه موارد صلاحیت

رسیدگی ندارد. همچنین این مصوبه قانون استفساریه ماده (۲۵) قانون دیوان عدالت اداری را نسخ نمود. البته این حکم شامل صلاحیت دیوان در رسیدگی به ادعای خلاف شرع بودن مقررات و ابطال آنها پس از اظهار نظر فقهای شورای نگهبان نمی‌شود.<sup>(۱)</sup>

### ۳- موضوع نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی

در ادامه به بررسی این موضوع می‌پردازیم که نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی موضوع اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی شامل کدامیک از مصوبات دولت می‌گردد. بر اساس اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی رئیس مجلس شورای اسلامی مسئولیت نظارت بر مصوبات دولتی زیر را از جهت مغایرت و یا عدم مغایرت با قانون اساسی بر عهده دارد:

- اساسنامه‌های مصوب دولت. بر اساس اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند اجازه تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به دولت واگذار نماید. این مصوبات نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و باید به منظور بررسی و اعلام مغایرت و یا عدم مغایرت آنها با قوانین، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد. این مورد از مصوبات شامل اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت می‌گردد. اساسنامه را اینگونه تعریف نموده‌اند: «مقررات یا قراردادی که برای طرز کار یک جمعیت (در حقوق عمومی یا خصوصی) مقرر و معین می‌شود». (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۲۹۶)

- تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر. با توجه به اصل هفتاد و یکم قانون اساسی، صلاحیت مجلس در زمینه وضع قوانین، عام و مطلق است، اما باید توجه داشت که تعیین تمام جزئیات مربوط به اجرای قوانین و تنظیم امور اداری، مجلس را از انجام وظایف مهم تر خود (نظارت) باز می‌دارد و به همین جهت در غالب قوانین، تنظیم آیین‌نامه اجرائی به قوه مجریه واگذار می‌شود. این نکته نیز قابل توجه است که وضع مقررات در صلاحیت ذاتی قوه مجریه نیست و تفویض تصویب مقررات به قوه مجریه از اثرات تفکیک نسبی قوا محسوب می‌گردد. (طباطبائی مومتمنی، ۱۳۸۳: ۲۸۸)

با توجه به اینکه تمامی مصوبات دولتی در حوزه صلاحیت نظارتی رئیس مجلس قرار

ندارد باید مصوبات مشمول این نظارت را تبیین نمود. بر همین اساس در ادامه به بررسی اجمالی انواع مصوبات دولتی موضوع صلاحیت نظارتی رئیس مجلس می‌پردازیم. تصویب‌نامه مشتمل بر تصمیمات و دستوراتی است که هیأت دولت رأساً و یا بر اساس طرح‌ها و پیشنهادات وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی در مسائل خاص و در امور مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اتخاذ می‌نماید. (صدرالحفاظی، ۱۳۷۲: ۴۲۷)

صلاحیت قوه مجریه در وضع آیین‌نامه محدود به مواردی نیست که در قوانین مقرر شده است، بلکه اختیارات و تکالیف این قوه در اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌ها ایجاب می‌کند که بتواند برای حسن انجام وظایف خود مقرراتی وضع کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۲۸)

تأمین اجرای قانون و اداره جامعه خود نیازمند اصولی است که اختیار وضع آنها از امور اداری و در صلاحیت قوه اجرائی است. البته این قوه نمی‌تواند با استفاده از این اختیار نهاد یا سازمان جدیدی ایجاد نماید.

برخی از حقوقدانان بر این عقیده‌اند که هیچ تفاوت ماهوی میان قانون و آیین‌نامه وجود ندارد و تنها تفاوت این دو نوع مقرر، مرجع وضع آنهاست. بر اساس این نظر در مواردی که قانون وجود ندارد دولت می‌تواند به وضع آیین‌نامه و تصویب‌نامه بپردازد. همچنین گفته شده است در رابطه با اموری که حق و تکلیف ایجاد می‌نماید نمی‌توان بدون تصویب مجلس و بدون وجود قانون و با تصویب آیین‌نامه اقدام به وضع قاعده نمود. (طباطبائی مومنی، ۱۳۸۳: ۲۸۷)<sup>(۲)</sup>

آیین‌نامه‌های مستقل که متکی به مقتضیات اداری و اجرایی می‌باشند، تدبیری برای اجرای صحیح امور محسوب می‌شوند. این نوع آیین‌نامه‌ها در راستای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری تصویب می‌گردند و الزاماً نباید مغایر با قانون باشند و نمی‌توانند دایره مشمول قوانین موجود را توسعه داده و یا تضییق نمایند. (هاشمی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۱۹-۳۱۸) لذا در مواردی که دولت بر این اعتقاد باشد که مشمول قوانین موجود باید محدود شده یا توسعه یابد، در این رابطه باید الزاماً از طریق ارائه لایحه به مجلس استفاده نماید و نمی‌تواند رأساً در این رابطه مصوبه‌ای داشته باشد.

همانگونه که بیان گردید، قانون اساسی و قوانین عادی شأنی بالاتر از مقررات دولتی دارند. بر این اساس، شرط اعتبار مقررات دولتی این است که این مقررات مغایر با قوانین عادی و اساسی نباشد.



با توجه به اصل هفتاد و یکم قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. لازم به ذکر است که برخلاف نظر برخی از حقوقدانان (الهام، ۱۳۸۹: ۸-۹) که قائل به این هستند که می‌توان بر اساس قانون اساسی تعریفی ماهوی از قانون به دست داد و بر این اساس معتقدند که مجلس صلاحیت قانونگذاری در برخی از امور را که دارای ویژگی‌های ماهوی قانون نیستند را ندارد، به نظر می‌رسد که قانون اساسی تنها معیار شناسایی قانون را معیار شکلی قرار داده است و بر این اساس اگر مجلس شورای اسلامی در امری قانونگذاری نماید این امر پس از تأیید شورای نگهبان، ارزش و اعتبار قانون را خواهد داشت. با توجه به مطالبی که بیان گردید و با توجه به صلاحیت عام قانونگذاری مجلس شورای اسلامی، این مرجع می‌تواند آیین‌نامه، تصویب‌نامه و اساسنامه وضع کند یا مصوبات دولت در این امور را تغییر دهد و یا اینکه آنها را لغو نماید (ابوالحمد، ۱۳۶۰: ۲۳) بر این اساس با توجه به اینکه شأن و اعتبار مقررات مصوب قوه مجریه فراتر از قوانین مصوب مجلس است، مجلس می‌تواند با تصویب قانون، مقررات مصوب قوه مجریه را به صورت ضمنی لغو نموده و یا آنها را اصلاح نماید.

#### ۴- محدوده نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی

اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی مقرر می‌دارد که مصوبات قوه مجریه نباید مغایر با متن و روح قوانین باشد. بر اساس این اصل مرجع تشخیص مغایرت مصوبات دولتی با قوانین، رئیس مجلس شورای اسلامی است. با توجه به اینکه دولت در راستای انجام وظایف خود اقدامات گوناگونی انجام می‌دهد که تمام این اعمال مشمول نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی نمی‌گردد بلکه صلاحیت رئیس مجلس براساس اصول هشتاد و پنجم و یکصد و سی و هشتم صرفاً شامل برخی از مصوبات دولت می‌گردد، در این رابطه چند موضوع قابل بحث است که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم:

۴-۱- نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی شامل کدام نوع از مصوبات دولتی می‌گردد؟  
در پاسخ به این سوال باید متن اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی مورد توجه قرار گیرد. بر اساس اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی، مجلس می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به دولت بدهد.

بر اساس ذیل این اصل، مرجع تشخیص عدم مغایرت مصوبات دولت با قوانین، رئیس مجلس شورای اسلامی است. با توجه به مطالب بیان شده یکی از موضوعات داخل در صلاحیت رئیس مجلس، نظارت بر اساسنامه‌های مصوب دولت است.

به موجب اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی، وزیر یا هیأت وزیران حق وضع آیین‌نامه اجرایی را دارند، همچنین بر اساس این اصل، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه پردازد و می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. بر اساس قسمت دیگری از این اصل، هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران، حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد. بر اساس ذیل اصل یکصد و سی و هشتم از میان مقررات فوق، نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی صرفاً شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های هیأت وزیران و مصوبات کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر می‌شود و رئیس مجلس صلاحیتی در رابطه با نظارت بر آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های وزراء را ندارد.

لازم به ذکر است که این صلاحیت مختص نظارت بر مقررات مصوب هیأت وزیران است و شامل تصمیمات اجرایی نمی‌شود.<sup>(۳)</sup> ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی شامل تصمیمات نمایندگان ویژه موضوع اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی نیز می‌شود؟

در پاسخ به این سوال باید دو موضوع را مورد توجه قرار داد: یک اینکه به موجب اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی تعیین نمایندگان ویژه نیازمند مصوبه هیأت وزیران است که این مصوبه تحت شمول نظارت رئیس مجلس قرار می‌گیرد.<sup>(۴)</sup>

موضوع دومی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که با توجه به اینکه اختیارات نمایندگان ویژه موضوع این اصل مربوط به امور صرفاً اجرایی است، تصمیمات اتخاذ شده توسط نمایندگان ویژه در محدوده صلاحیت نظارتی رئیس مجلس قرار نمی‌گیرد.<sup>(۵)</sup> مرجع تشخیص اینکه آیا تصمیم نماینده ویژه مقررات گذاری بوده و مشمول نظارت رئیس مجلس است یا نه با خود رئیس مجلس شورای اسلامی است و وی در صورتی که اقدام نماینده ویژه را مصداق حوزه صلاحیت نظارتی خود تشخیص دهد می‌تواند نسبت به موضوع ورود پیدا کرده و مصوبه را برای تجدید نظر به دولت عودت دهد.<sup>(۶)</sup>

البته در رابطه با موضوع شمول و یا عدم شمول صلاحیت رئیس مجلس بر مصوبات نمایندگان ویژه موضوع اصل ۱۲۷ قانون اساسی این نکته را باید مورد توجه قرار داد که اگر نمایندگان ویژه موضوع اصل یکصد و بیست و هفتم تعدادی از وزراء باشند، رئیس مجلس صلاحیت بررسی موضوع را دارد و می‌تواند تصمیمات متخذه توسط آنها را مشمول قسمت اخیر اصل یکصد و سی و هشتم تشخیص داده و نظر خود را نسبت به آن اعلام نماید.

۲-۴- مرجع تشخیص مقررات دولتی موضوع اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی از تصمیمات صرفاً اجرایی کیست؟

در این رابطه باید توجه داشت که در رابطه با ماهیت اجرایی برخی از امور مثل عزل و نصب مقامات اداری و اجرایی اختلافی وجود ندارد و در رابطه با اجرایی بودن آنها اتفاق نظر وجود دارد. اختلاف هنگامی بروز می‌یابد که دولت تحت عنوان تصمیمات اجرایی اقدام به مقررات گذاری می‌نماید که به نظر رئیس مجلس شورای اسلامی مشمول اصل یکصد و سی و هشتم بوده و باید در مورد مغایرت و عدم مغایرت آن با قوانین اظهار نظر شود. با توجه به اینکه موضوع نظارت رئیس مجلس مقررات مصوب هیأت وزیران است، نمی‌توان مرجع تشخیص موضوع نظارت را دولت قرار داد و به دولت اختیار داد که با توجه به برداشت خود هر آنچه را که مشمول اصل یکصد و سی و هشتم نمی‌داند برای رئیس مجلس ارسال ننماید بلکه این رئیس مجلس شورای اسلامی است که با توجه به ماهیت مصوبات دولت می‌تواند در رابطه با شمول و یا عدم شمول نظارت خود بر آنها و در نتیجه صلاحیت و عدم صلاحیت خود اظهار نظر نماید. دو اصل (۸۵) و (۱۳۸) به این منظور تصویب شده‌اند که هیچ یک از مقررات دولتی (موضوع اصول فوق) مغایر با قوانین نباشد، اگر مرجع تشخیص مصوبات دولت موضوع این اصول از تصمیمات اجرایی، خود دولت باشد، در حقیقت این دو اصل اعتبار خود را از دست می‌دهند.

اگرچه دولت مکلف است که تمامی مصوبات خود را دارای هر نامی که باشند (اعم از آیین‌نامه، تصویب‌نامه، موافقت‌نامه، تصمیم‌نامه و اسامی از این قبیل) برای رئیس مجلس ارسال نماید و عدم ارسال مصوبات برای رئیس مجلس، تخلف از وظیفه مقرر در قانون اساسی محسوب می‌گردد، این امر موجب سلب مسئولیت رئیس مجلس شورای اسلامی نبوده و وی مکلف به بررسی مصوبات دولت و اظهار نظر در رابطه با مغایرت و یا عدم

مغایرت آنها با قوانین است. البته برخی بر این عقیده‌اند که ارسال نشدن مصوبات مزبور برای ریاست مجلس شورای اسلامی موجب بی اعتباری مصوبات مزبور خواهد شد (طباطبایی مومنی، ۱۳۸۳: ۲۹۶) که اگر چه نظر قابل تأملی است ولی مبنای قانونی و حقوقی آن مشخص نیست.

۳-۴- چه نسبتی میان صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی و صلاحیت دیوان عدالت اداری در نظارت بر مصوبات دولت وجود دارد؟

برخی بر این اعتقادند که قانونگذار اساسی صرفاً یک مرجع برای ابطال مقررات دولتی قرار داده است که آن مرجع دیوان عدالت اداری است. بر اساس این نظر با توجه به اینکه در اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی سخنی از ضمانت اجرای نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی بر مقررات دولتی به میان نیامده است تعیین ضمانت اجرا برای نظارت رئیس مجلس مغایر اصول ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون اساسی است. (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۸۹، ۱۹۳-۱۸۵) در پاسخ باید گفت دیوان عدالت اداری و رئیس مجلس شورای اسلامی دو مرجع هم عرض صالح جهت نظارت بر مصوبات دولتی هستند. بر اساس اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی مصوبات دولتی موضوع این اصول ضمن ابلاغ برای اجرا برای رئیس مجلس ارسال می‌گردد تا در صورتی که آنها را مغایر قوانین بباید با ذکر دلیل برای تجدیدنظر برای هیأت وزیران بفرستد. در حالی که دیوان عدالت اداری مرجعی قضایی بوده و مصوبات دولت برای اظهارنظر برای دیوان ارسال نمی‌گردد و تنها در صورتی که شکایتی از یک مصوبه اعلام گردد، این نهاد به موضوع رسیدگی نموده و مصوبه را در صورتی که مغایر با قوانین تشخیص دهد ابطال می‌نماید.

صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به صلاحیت دیوان عدالت اداری محدود است. رئیس مجلس شورای اسلامی صرفاً صلاحیت نظارت بر اساسنامه‌های مصوب دولت، آیین‌نامه‌ها و تصویب نامه‌های هیأت وزیران و کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر را بر عهده دارد در حالی که دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به شکایات علیه تمام تصمیمات و مقررات دولتی را دارد.

بر اساس اصول یکصد و هفتادم و یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی دیوان عدالت اداری صلاحیت ابطال تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه باشد را داراست همچنین این دیوان مرجع

رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدهای دولتی و احقاق حقوق آنها بوده و صلاحیت رسیدگی به قانونی بودن تصمیمات صرفاً اجرایی را نیز بر عهده دارد.

در رابطه با نسبت میان صلاحیت این دو مرجع باید توجه نمود که وظیفه این دو مرجع، تشخیص مغایرت مصوبات دولتی با قانون است. نتیجه اینکه اگر رئیس مجلس مصوبه‌ای را مغایر قانون اعلام نماید مصوبه فاقد اعتبار می‌شود و دیگر موضوعی نیست که دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به آن را داشته باشد و همچنین، اگر دیوان عدالت مصوبه‌ای را ابطال نماید موضوعی برای اظهار نظر رئیس مجلس باقی نمی‌ماند.

۴-۴- رئیس مجلس شورای اسلامی صرفاً صلاحیت نظارت بر عدم مغایرت مصوبات قوه مجریه با قوانین عادی را دارد یا می‌تواند در رابطه با مغایرت مصوبات دولتی با قانون اساسی نیز نظارت نماید؟

با توجه به شأن و جایگاه رئیس مجلس شورای اسلامی به نظر می‌رسد نتوان برای وی صلاحیت اظهار نظر در رابطه با مغایرت و عدم مغایرت مصوبات دولت با قانون اساسی را به رسمیت شناخت<sup>(۷)</sup> هر چند که با توجه به تکلیف دولت به عدم وضع مقررات مغایر با متن و روح قوانین عادی به طریق اولی دولت مکلف است مصوبات مغایر با قانون اساسی را تصویب ننماید ولی این امر موجبی برای صالح دانستن رئیس مجلس در این رابطه نمی‌شود.

دولت مکلف است که اقدام به وضع مقررات دولتی مغایر با روح قوانین ننماید و در صورتی که مقررات مصوب، مغایر با روح قوانین باشند، قابل ابطال در دیوان عدالت اداری بوده و رئیس مجلس شورای اسلامی نیز می‌تواند مصوبات دولتی مغایر با روح و متن قوانین را برای اصلاح به دولت اعلام نماید که دولت مکلف به تبعیت از نظر رئیس مجلس است.

اخیراً نظریات رئیس مجلس که در راستای اعمال نظارت موضوع اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی اعلام می‌گردد در روزنامه رسمی درج شده و به اطلاع عموم می‌رسد، که با توجه به اینکه مصوبات دولت در حقوق و تکالیف شهروندان موثر هستند، انتشار این نظریات که متضمن عدم اعتبار مصوباتی است که تأثیرات مذکور را ایجاد نموده‌اند گامی در جهت احیاء حقوق عامه می‌باشد (صدرالحفاظی، ۱۳۷۲: ۴۲۸).

## ۵- ضمانت اجرای نظارت رئیس مجلس

در اصل یکصد و بیست و ششم قانون اساسی پیش از بازنگری که وظیفه نظارت بر مصوبات دولت بر عهده رئیس جمهور نهاده شده بود، مصوبات دولت پیش از اعلام نظر رئیس جمهور فاقد اعتبار بود (مجموعه نظریات شورای نگهبان، ۱۳۸۱: ۱۴۲).<sup>(۸)</sup> اگر چه در بازنگری سال ۱۳۶۸ با هدف عدم اخلاف در امور اجرایی کشور مقرر گردید مصوبات دولت برای تضمین عدم مغایرت با قوانین، ضمن ابلاغ برای اجرا نزد رئیس مجلس شورای اسلامی ارسال گردد (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹، ج ۲: ۹۹۷-۹۹۴) ولی ماهیت عمل فوق تغییری نداشته است. لذا با توجه به اینکه اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی، رئیس مجلس شورای اسلامی را مرجع نظارت بر مصوبات قوه مجریه قرار داده است و با توجه به سیاق اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی (که مشابه اصل یکصد و بیست و ششم قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ است) و مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۲۷۷-۱۲۷۲) و شورای بازنگری قانون اساسی (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۰۱۳-۹۹۰)، با اعلام نظر رئیس مجلس شورای اسلامی در رابطه با مغایرت مصوبات دولتی با قانون، دولت مکلف به تبعیت از نظر رئیس مجلس می‌باشد و در صورت اصرار دولت بر مصوبه خود، مصوبه مذکور به دلیل مغایرت با قانون بی اعتبار می‌گردد.

شورای نگهبان به موجب نظریه شماره ۷۳۲/۳۰/۹۱/م مورخه ۱۳۹۱/۳/۲۰ و در مقام تفسیر قانون اساسی نیز همین نظر را تأیید نموده است به موجب نظر شورا: «هیأت وزیران پس از اعلام نظر رئیس مجلس شورای اسلامی مکلف به تجدیدنظر و اصلاح مصوبه خویش است؛ در غیر این صورت پس از گذشت مهلت مقرر قانونی، مصوبه مورد ایراد ملغی‌الاثرب خواهد شد.»

### نتیجه‌گیری

بر اساس ذیل اصول هشتاد و پنجم و یکصد و سی و هشتم اساسنامه‌های مصوب دولت و مقررات دولتی باید برای نظارت بر عدم مغایرت آنها با قوانین برای رئیس مجلس شورای اسلامی ارسال شود. مرجع تشخیص اینکه کدام مقرر دولتی مشمول نظارت رئیس مجلس قرار می‌گیرد یا نه رئیس مجلس است و نظر وی در رابطه با مغایرت مصوبه دولت با قوانین نهایی لازم الاجرا بوده و مصوبه دولت در صورت عدم تأمین نظر رئیس مجلس ملغی الاثر می‌شود. نظارت رئیس مجلس و دیوان عدالت اداری در عرض هم بوده و هر دوی این مراجع صلاحیت اعلام مغایرت مصوبات دولت با قوانین را دارند.

اگر چه دولت مکلف به ارسال مصوبات برای رئیس مجلس است ولی تخلف از این امر و عدم ارسال مصوبات دولت برای رئیس مجلس مانع از اعمال صلاحیت نظارتی وی نیست و او می‌تواند مغایرت مصوباتی را که نظارت بر آنها را در محدوده صلاحیت خود می‌داند اعلام نماید.

## یادداشت‌ها

۱- رأی شماره ۴۶۲ مورخه ۱۳۸۹/۱۰/۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: هر چند مطابق تبصره ۸ قانون الحاق یک تبصره به قانون نحوه اجرای اصول هشتاد و پنج و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۸ و اصلاحات بعدی مصوب ۱۳۸۸/۱/۳۰، در مواردی که رئیس مجلس شورای اسلامی، مصوبات، آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های مقامات مذکور در اصل هشتاد و پنج و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی را مغایر با متن و روح قانون تشخیص دهد، نظر وی برای دولت معتبر و لازم‌الاتباع است و دیوان عدالت اداری نسبت به این گونه موارد صلاحیت رسیدگی ندارد و رئیس مجلس شورای اسلامی نیز طی نامه شماره ۳۹۱۵۵ ه/ب مورخ ۱۳۸۹/۶/۱۶ موارد مغایرت قانونی مصوبه معترض‌عنه را اعلام نموده، از این جهت موجبی برای رسیدگی در هیأت عمومی دیوان وجود ندارد، لیکن رسیدگی به جهات مغایرت مصوبه با شرع منصرف از حکم مقرر در تبصره فوق‌الذکر می‌باشد. و نظر به اینکه فقهای شورای نگهبان طی نامه شماره ۸۹/۳۰/۴۰۲۵۹ مورخ ۱۳۸۹/۸/۲، ماده ۲ آیین‌نامه معترض‌عنه را خلاف موازین شرع دانسته‌اند، لذا به تجویز ماده ۴۱ و بند یک ماده ۱۹ و قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری مصوبه مورد شکایت ابطال و اثر آن به تاریخ صدور تسری خواهد داشت.

۲- رأی شماره ۵ ه/ع / ۲۰۷/۸۱ مورخه ۱۳۸۳/۲/۲۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: «وضع قاعده آمره متضمن ایجاد یا سلب حق و شرایط اصولی هر مورد اختصاص به مقنن دارد»، رأی شماره ۷۷۵/۸۲/۵ مورخه ۱۳۸۳/۶/۲۵: «مفهوم مخالف تبصره ماده ۱۰۹ آیین‌نامه اجرایی قانون خدمت وظیفه عمومی که متضمن وضع قاعده آمره مشعر بر عدم رسیدگی به تقاضای معافیت به واسطه کفالت یا جهات پزشکی در مدت ادامه تحصیل و برخورداری از معافیت تحصیلی می‌باشد خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود»، رأی شماره ۵۳۱/۸۶/۵ مورخه ۱۳۸۸/۵/۲۵: «... بنابراین مفاد بندهای ۲ و ۳ ماده ۳۳ آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۱۹ قانون مالیاتهای مستقیم مبنی بر صدور برگ قطعی مالیاتی اصلاحی متضمن افزایش مالیات و اجرای آن بدون اطلاع مؤدی و رسیدگی به اعتراض وی در این باب توسط مراجع ذیصلاح قانونی که از مقوله وضع قاعده آمره در خصوص مورد است، خارج از حدود اختیارات وزارت امور اقتصادی و دارایی در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود».

۳- نظریه شماره ۷۹/۲۱/۷۳۷ مورخه ۱۳۷۹/۵/۳۰: «محدوده اصل ۱۲۷ شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌ها نمی‌شود و منحصرأ شامل تصمیمات خواهد بود».

۴- نظریه شماره ۸۱/۳۰/۲۱۲۴ مورخه ۱۳۸۱/۱۰/۲: «اصل ۱۲۷ مربوط امور اجرایی است و شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌ها نمی‌شود و منحصرأ شامل تصمیمات خواهد بود».



بنابراین تبصره الحاقی ماده (۲۹) که مقرر نموده است تفویض اختیار دولت، موضوع اصل ۱۲۷ قانون اساسی به نماینده یا نمایندگان ویژه رئیس جمهور محدود به اجرایی است، وافی به مقصود است لکن تصویبنامه هیأت وزیران که طی آن نماینده یا نمایندگان با اختیارات مشخص تعیین می‌نماید از مصادیق تصویب‌نامه ذیل اصل ۱۳۸ قانون اساسی می‌باشد و لازم است این تصویبنامه‌ها ضمن ابلاغ برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بداند با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیأت وزیران بفرستد.

۵- نظریه شماره ۷۸/۲۱/۶۱۸۶ مورخه ۱۳۷۸/۱۱/۲۰ شورای نگهبان در رابطه با الزام به ارسال تصمیمات نمایندگان ویژه موضوع اصل ۱۲۷ قانون اساسی برای رئیس مجلس شورای اسلامی موضوع تبصره ۳ الحاقی به قانون اجرای اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی: در تبصره (۳) با استحضار اینکه اصل (۱۲۷) مربوط به امور اجرایی است الزام به ارسال تصمیمات مذکور در اصل (۱۲۷) قانون اساسی به رئیس مجلس خلاف قانون اساسی شناخته شد.

۶- نظریه شماره ۱۳۸۰/۲۱/۲۲۵۴ شورای نگهبان: «ریاست محترم مجلس شورای اسلامی؛ عطف به نامه شماره ۳۲۸۹/ب مورخ ۱۳۸۰/۳/۱۲، صرف نظر از اینکه امور مهمه‌ای از قبیل تعیین بودجه موضوع نامه شماره ۸۸۰۰/ت مورخ ۱۳۷۹/۳/۷ خارج از شمول محدوده اصل ۱۲۷ می‌باشد، تشخیص موضوع و تعیین مصداق و تطبیق آن با اصل مذکور و تفسیر به عمل آمده به عهده خود جنابعالی است، نیازی به اظهارنظر شورای نگهبان ندارد.» (مجموعه اساسی، ۱۳۸۱: ۲۰۴)

۷- نظریه تفسیری شماره ۲۱۰۱ مورخه ۱۳۷۱/۶/۱۵: «کلمه «قوانین» مذکور در ذیل اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی شامل قانون اساسی نمی‌شود.»

۸- نظریه شماره ۱۹۴۷ مورخه ۱۳۶۳/۷/۲۵: «در موارد اختلاف بین رئیس جمهور و هیأت وزیران نظر شورا بر این است که بدون رعایت نظر رئیس جمهور تصویب‌نامه و آئین‌نامه قابل اجراء نمی‌باشد.» نظریه شماره ۲۳۶۰ مورخه ۶۳/۱۰/۵: «... مستفاد از اصل ۱۲۶ قانون اساسی این است که قبل از اعلام نظر رئیس جمهور مصوبه رسمیت اجرایی ندارد.» (مجموعه نظریات شورای نگهبان، پیشین، ص ۱۴۷)

## منابع و مآخذ

## الف) کتب

۱. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۹)، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، جلد دوم.
۲. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴)، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، جلد دوم.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ اول.
۴. سنجابی، کریم (بی تا)، حقوق اداری، بی نا، چاپ سوم، جلد اول.
۵. صدرالحفاظی، نصرالله (۱۳۷۲)، نظارت قضائی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری، شهریار، چاپ اول.
۶. طباطبائی موتمنی، منوچهر (۱۳۸۵)، حقوق اداری تطبیقی، حاکمیت قانون و دادرسی اداری تطبیقی در چند کشور بزرگ، تهران: سمت، چاپ اول.
۷. طباطبائی موتمنی، منوچهر (۱۳۸۳)، حقوق اداری، تهران: سمت، چاپ نهم.
۸. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۳)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: میزان، چاپ نهم (چاپ اول میزان).
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهل و چهارم.
۱۰. مجموعه اساسی (۱۳۸۱)، معاونت حقوقی ریاست جمهوری (معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات)، چاپ اول.
۱۱. مجموعه نظریات شورای نگهبان (تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی) (۱۳۸۱)، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، تهران: دادگستر.
۱۲. معاونت حقوقی ریاست جمهوری (اداره کل پژوهش و اطلاع رسانی) (۱۳۸۹)، مرزهای تقنین و اجرا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، معاونت حقوقی ریاست جمهوری (معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات)، چاپ اول.

۱۳. هاشمی، محمد (۱۳۸۳)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و نهادهای سیاسی، تهران: میزان، چاپ نهم، جلد دوم.

#### ب) مقالات

۱. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۶۰)، «مسئله سلسله مراتب قوانین در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۲۲، صص ۱۹-۴۰.

۲. زارعی، محمد حسین (۱۳۷۶)، «تحلیلی از پیوند حقوق اداری و مدیریت دولتی بر پایه حاکمیت قانون»، مجله مدیریت دولتی، شماره ۳۸، صص ۲۷-۴۴.

#### ج) پایگاههای اطلاع رسانی

۱. پایگاه اطلاع رسانی معاونت حقوقی و امور مجلس به آدرس:

<http://hvm.ir/>

۲. پایگاه اطلاع رسانی حافظه قوانین، پایگاه اطلاعات قوانین و مقررات به آدرس:

<http://tarh.majlis.ir/>

۳. پایگاه اطلاع رسانی روزنامه رسمی به آدرس:

[www.rooznamehrasmi.ir](http://www.rooznamehrasmi.ir)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی